

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟

آلاء وحیدنیا

چکیده

با نگاهی به کتب تفسیر و لغت، درمی‌یابیم که برای واژه وراء در قرآن، هنگامی که نشان‌دهنده جهت باشد، دو معنای مختلف ارائه شده است. در برخی آیات، وراء به معنای متداول آن در عربی، یعنی پشت‌سر تفسیر شده است و در دسته‌ای دیگر از آیات که چنین معنایی درست نمی‌نماید، آن را به معنای پیش‌رو دانسته‌اند. مفسران و عالمان لغت همواره به شیوه‌های گوناگونی ارائه چنین معنایی برای واژه وراء را توجیه و تعلیل کرده‌اند. این مقاله می‌کوشد تا از طریق بازخوانی راهکارهای مفسران از آغاز تا کنون، و با رهاشدن از بند تکلفات رنگارنگ معنای مناسبی برای این واژه ارائه دهد که نه با روح لغت ناسازگار باشد و نه آیه را دچار مشکل تفسیری کند و نهایتاً با مروری بر ترجمه‌های فارسی صورت گرفته از آیات مورد بحث، ترجمه‌های بهتر را مشخص کند.

کلیدواژه‌ها: وراء، پیش‌رو، پشت‌سر، مفسران، مترجمان.

مقدمه

کاربرد واژه وراء در قرآن به گونه‌ای است که در مواردی این واژه آشکارا به معنای پشت‌سر است؛ آیاتی چون: «فَسأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» (احزاب، ۵۳)؛ «إِنَّ الَّذِينَ

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ ۸۷ □

يُسْنَدُونَكَ مِنْ وَّرَاءِ الْحُجُرَاتِ (حجرات، ۴)؛ «قِيلَ اٰرْجِعُوْا وَّرَآءَكُمْ فَالْتَمِسُوْا نُوْرًا» (حدید، ۱۳)؛ «لَا يِقَاتِلُوْنَكُمْ جَمِيْعًا اِلَّا فِيْ قُرَىٰ مُّحَصَّنَةٍ اَوْ مِنْ وَّرَآءِ جُدُرٍ» (حشر، ۱۴)؛ «وَأَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ وَّرَآءَ ظَهْرِهِ» (انشقاق، ۱۰)

لکن در آیاتی چند، تفسیر و ترجمه واژه وراء به معنای پشت‌سر، مشکل می‌نماید و باید راه حلی برای تبیین این آیات یافت. آیاتی چون: «مِنْ وَّرَائِهِ جَهَنَّمَ وَ يُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيْدٍ» (ابراهیم، ۱۶)؛ «وَكَانَ وَّرَآءَهُمْ مَلِكٌ يَّاخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَضْبًا» (کهف، ۷۹). در آیه «إِنَّ هُوَلَاءِ يُحِبُّوْنَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذُرُوْنَ وَّرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيْلًا» (انسان، ۲۷) نیز وضع به گونه‌ای است که می‌توان وراء را هم به معنای پشت‌سر دانست و هم به معنای پیش‌رو، که در این صورت آیه به دو گونه ترجمه و تفسیر می‌شود.

به هر حال، مفسران در مواجهه با چنین آیاتی تلاش کرده‌اند معنای وراء را به گونه‌ای تبیین کنند که معنای آیه از نظر آنان غیرقابل قبول نباشد؛ مثلاً در آیه «مِنْ وَّرَائِهِ جَهَنَّمَ» (کهف، ۷۹) نمی‌توان وراء را چنین ترجمه کرد که جهنم پشت‌سر اوست. و همین‌طور در مورد برزخ، چراکه اموری چون جهنم و برزخ متعلق به آینده‌اند نه به پشت‌سر و گذشته انسان. همچنین در آیه «وَكَانَ وَّرَآءَهُمْ مَلِكٌ يَّاخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَضْبًا» (کهف، ۷۹) پادشاهی که کشتی‌ها را به غصب می‌ستاند، واقعه‌ای است که ممکن بود در آینده رخ دهد. در اینجا با یک مشکل تفسیری روبه‌رو هستیم.

مفسران و لغویان همواره کوشیده‌اند تا این مشکل تفسیری را به نحوی حل کنند. در مجموع می‌توان راهکارهای مفسران و اهل لغت را برای توضیح این آیات و حل این مشکل تفسیری به سه دسته تقسیم کرد:

۱. توجیه معنای وراء به معنای اَمَام و قَدَام

۲. از اضداد دانستن کلماتی چون وراء

۳. بیگانه انگاشتن واژه وراء

توجیه معنای وراء به معنای اَمَام و قَدَام

عدول از معنای اصلی واژگان عربی به سادگی ممکن نیست، از همین رو بیشتر مفسران و مترجمان قرآن کوشیده‌اند تا حد امکان آیات را با استفاده از معنای اصلی و

رایج لغت در زبان عربی تبیین کنند و در صورتی که چنین امری ممکن نباشد، دلیلی محکم برای عدول از آن معنا ارائه دهند.

در حالی که خلیل فراهیدی (م. ۱۷۵ق) تنها معنای وراء را «خلاف قدام» دانسته و اشاره‌ای به معنای «امام» یا «قُدَّام» نکرده است (کتاب العین، ۳۰۰/۸)، اما چند قرن بعد، ابن منظور (۷۱۱-۶۳۰ق) هر دو معنای خَلْف و قُدَّام را برای آن پیشنهاد می‌کند (لسان العرب، ۱/۱۹۱)؛ هرچند ابن منظور سخنانش را به گفته‌های کسانی چون ثعلب، زجاج و فراء و اقوال تفسیری کسانی چون ابن عباس در تفسیر آیاتی چون: «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ» و «وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَضْبًا» مستند می‌کند.

برخی مفسران و لغویان همچون ابو عبیده (مجاز القرآن، ۲/۲۸۰) و ابن قتیبه (غریب القرآن، ۲۳۱) که معنای امام را برای وراء پیشنهاد می‌کنند، در این باب که بر چه مبنایی باید وراء، گاه به معنای امام باشد، توضیحی نمی‌دهند، اما برخی توجیهاتی برای این انتخاب ارائه داده‌اند:

طبری تأویل وراء به امام را در آیه «وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيْلًا» (انسان، ۲۷) قول درستی نمی‌داند (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۲۹/۱۳)، و نیز در تفسیر آیه ۱۰۰ از سوره مؤمنون: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»؛ در خصوص معنای وراء ساکت است (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۸/۴). اما همو در ذیل آیه ۱۶ سوره ابراهیم «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ...» هیچ چاره‌ای جز ارائه معنای امام برای وراء در این موضع خاص نمی‌بیند و با استشهاد به شعری از عرب و گفتار برخی از نحویان بصره، رأی خود را توجیه می‌کند (نک: جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳/۱۳۰).

فراء در اینکه وراء را به معنای «بین یدیه» بداند محتاطانه عمل می‌کند، و دانستن وراء بدین معنا را چنین محدود می‌کند که وراء به معنای «بین یدیه» را تنها می‌توان در خصوص اوقاتی از شب و روز و یا روزگار به کار برد، و قول خود را چنین مدلل می‌کند که چون وقت بر انسان می‌گذرد و پشت سر او قرار می‌گیرد، می‌توان در خصوص اوقات، از وراء برای آنچه که پیش‌روست استفاده کرد (معانی القرآن، ۱۵۷/۲). طبری نیز همین قول را در ضمن توجیهات خود می‌آورد (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳/۱۳۱).

توجیهی دیگر که توسط مقاتل بن سلیمان مطرح شده، این است که وراء را به معنای

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ ۸۹ □

بعد بگیریم و «من ورائه جهنم» را «من بعد موته» بدانیم (تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۴۰/۱/۲) و همچنین آیه «وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ» (مؤمنون، ۱۰۰) یعنی: «من بعد الموت» (تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۶۵/۳). عده‌ای از مفسران نیز از این قول تبعیت کرده و یا رأی او را در شمار توجیحات خود ذکر کرده‌اند (نک: فتح القدير ۱۲۰/۳؛ کشف الاسرار و عده الابرار، ۲۳۹/۵؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۲۹/۵) هم‌چنان که قرطبی نیز من ورائه را به معنای من بعد هلاکه دانسته، و برای تأیید این معنا، بیتی از نابغه را شاهد آورده است:

حلفت فلم أترك لنفسك ريبه
وليس وراء الله للمراء مذهب
(الجامع لأحكام القرآن، ۳۵۰/۱۰)

این تفسیر، به نظر، تفسیر درستی می‌آید، چرا که دانستن وراء — چه به معنای «پس» و چه به معنای «پشت‌سر» — تفاوت عمیق معنایی ندارد، آن‌چنانکه «پشت‌سر» و «پیش‌رو» تفاوت دارند. اما مشکل اینجاست که وراء به معنای بعد را نمی‌توان بر آیه‌های سوره کهف و سوره انسان منطبق کرد و دانستن وراء به معنای «بعد» یا «پس از»، مستلزم تقدیر عبارت یا کلمه‌ای است. بنابراین، چنین ترجمه و تفسیری از آیه، گرچه صحیح است، اما در اولویت دوم قرار خواهد داشت.

دیگر مفسران نیز به نوبه خود در توجیه معنای وراء به معنای «امام» کوشیده‌اند. برخی چنین تفسیری را به دلیل اتساع و کاربرد آن را برای دو جهتی که مقابل هم هستند و اینکه هر جهتی می‌تواند وراء جهت دیگر به شمار آید، درست می‌شمرند (مثلاً نک: التبیان، ۸۰/۷) و به گفته برخی دیگر، وراء در صورتی می‌تواند به معنای پیش‌رو باشد که در مورد امری که انتظار انسان را می‌کشد و در کمین اوست به کار رود (نک: تفسیر المراغی، ۱۴۰/۱۳؛ التفسیر المظهری، ۲۶۰/۵).

اما غالباً مفسران در ذیل آیات مربوطه، اقوال مختلف را بدون داوری میان آنها نقل کرده‌اند.

از اضداد دانستن کلماتی چون وراء

بحث در باب وجود واژگان اضداد در زبان عربی، یعنی واژگانی که بر دو معنای متضاد دلالت دارند، در همان نخستین تألیفات لغویان و زبان‌شناسان مطرح بوده است.

البته موضوع اضداد، نخست تنها از منظر زبان‌شناسی و لغت مطرح بود اما اندک‌اندک رگه‌هایی از انگیزه‌های دینی در آن پدیدار شد و برخی با هدف کمک به تفسیر و حل مشکلات تفسیری به آن پرداختند. در برخی آیات قرآن همچون آیاتی که واژه وراء در آن به کار رفته است، در صورتی که آیه را با معنای ظاهری و متداول واژه ترجمه و تفسیر کنیم، با آنچه که از پیش در ذهن داریم مطابق نیست. اینجاست که واژگان اضداد به کمک می‌آیند و هر جا که وراء معنای «پشت‌سر» نمی‌دهد، معنای متضادی همچون «پیش‌رو» خواهد داشت. و از همین دست است کلماتی چون: ظن، با هر دو معنای یقین و شک، بطائن، با هر دو معنای ظاهر و باطن، رجاء به معنای خوف و امید و غیره. تلقی واژگان به عنوان واژگان اضداد، گاه به افراط کشیده می‌شود و جایی که معنای آیه از نظر یک مفسر با در نظر گرفتن معنای اصلی واژه نادرست باشد، واژگان اضداد به کمک می‌آیند و مشکل مفسر را حل می‌کنند. نمونه بارز آن، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ...». مفسری که با خود می‌اندیشد که مقصود از ذکر قرآن است و قرآن پس از زبور آمده است، از نظر او واژه بعد در اینجا نمی‌تواند به همان معنای بعد باشد. پس یک راه حل خوب آن است که بعد را از اضداد و به معنای قبل بدانیم. می‌توان کتاب الاضداد ابوحاتم سجستانی را نمونه خوبی از تلاش دانشمندان برای حل مشکلات تفسیری با استفاده از واژگان اضداد دانست.

به هر حال، کشمکش بر سر وجود و یا عدم وجود کلمات اضداد در زبان عرب و به‌ویژه در قرآن، همواره ادامه داشته است؛ برخی آن را یک ویژگی ایجابی برای زبان عرب و از شگفتی‌های آن و موجب گسترش دایره معنایی قرآن قلمداد کرده‌اند؛ و برخی آن را منافی اصل وضع لغت در زبان و حکمت خداوند و حتی مستلزم جمع اضداد در شیء واحد، و محال دانسته‌اند (نک: شرح ادب الکاتب، ۲۵۱).

مفسران، غالباً در جایی که وراء را از اضداد خوانده‌اند، آن را به گفته ابو عبید و ابن‌الانباری مستند کرده‌اند. بجز اینان، اصمعی (ثلاثة کتب، ۲۰)؛ سجستانی (ثلاثة کتب، ۸۲)؛ ابن سکیت (ثلاثة کتب، ۱۷۶-۱۷۵) نیز وراء را از اضداد دانسته‌اند.

ابن قتیبه در تأویل مشکل القرآن بآبی به نام باب المقلوب گشوده و در آن فهرستی از واژگان را که به دو معنای متضاد منصرف‌اند ارائه کرده است که در این میان به واژه وراء با

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ ۹۱ □

دو معنای خَلْف و قُدَّام، با استشهاد به آیات سوره کَهِف و اِبراهیم اشاره می‌کند (تأویل مشکل القرآن، ۱۲۰).

اما زَجَّاج با وی مخالفت کرده و بر برخی از اهل لغت که گمان کرده‌اند وراء از اَضداد است خرده گرفته است. وی آن را به معنای چیزی می‌داند که پوشیده و متواری است (معانی القرآن و اعرابه؛ ۱۵۶/۳ و ۱۵۷).

همان‌گونه که داوری میان اقوال موافق و مخالف مشکل است، تعیین این که کجا باید وراء را به معنای رایج آن یعنی «پشت‌سر» و کجا باید آن را به معنای «پیش‌رو» گرفت، نیز مشکل است. آیا تنها راه برای انتخاب هر یک از این دو معنا، این است که ببینیم کجا معنای آیه قرآن با دانستن وراء به معنای «پشت‌سر» به نظر درست نمی‌آید؟

بیگانه انگاشتن واژه وراء

یکی دیگر از راهکارهای دانشمندان مسلمان که متأخر از نظریه اَضداد و در ادامه آن است، قلمداد کردن واژه مورد نظر از جمله واژگان بیگانه است. این نظریه همانند نظریه اَضداد، در ابتدا به شکلی مستقل و اساساً از منظر لغوی شکل گرفته و تدریجاً به کمک علم تفسیر آمده است. گرچه نمی‌توان به روشنی درباره دلیل نسبت دادن برخی از واژه‌های عربی و به خصوص قرآنی، به زبان‌های دیگر اظهار نظر کرد، اما در میان انبوه واژگانی که از سوی لغویان به زبانی غیر از زبان عربی نسبت داده شده‌اند، واژگانی جلب نظر می‌کنند که معنایی متضاد با معنای رایج و متداولشان در زبان عربی دارند. به عنوان نمونه، واژه «تحت» در سوره مریم آیه ۲۴، به جای «در زیر» که معنای متعارف آن در عربی است، گفته شده، به معنای «درون» است. همچنین معنای «بطائنها» در آیه «بطائنها من استبرق»، ظاهر دانسته شده است. ترجمه الاولی به الآخر و الآخر به الاولی نیز نمونه دیگری است. جالب است که همه این دسته لغات از واژگان زبان قبطی به شمار آمده‌اند. (تفصیل را نک: واژگان دخیل و تعیین زبان خارجی آنها در تفسیر قرآن)

این موضوع به این دیدگاه منجر می‌شود که شاید زبان قبطی، از نظر اعراب، دارای یک نقش فرهنگی به عنوان زبانی برای تدلیس بوده است. ممکن است، تصویری اجتماعی از قبطی‌ها، به خاطر فریبکاریشان در ارتباط با مسلمانان و چرخاندن زبان

عربی به نفع خود، در پس این جریان وجود داشته باشد (syriac in Quran, 258). آرتور جفری نیز با اشاره به این مطلب، از قول دوراک می‌گوید: شاید مسلمانان تنها به دلیل خوارشمردن قبطیان چنین می‌گفته‌اند. اما جفری خود، تمام این دلایل را از نظر زبان‌شناسی قابل دفاع نمی‌داند (foreign vocabulary of the Qur'an, 29). همان‌طور که گفته شد، با وجود اینکه در آثار دانشمندان اهل لغت، معمولاً هرگاه به واژه‌ای معنایی متضاد با معنای رایج و متداول آن در زبان عربی نسبت داده شده است، اصل آن واژه را از زبان قبطی دانسته‌اند، اما در خصوص وراء وضع به گونه دیگری است. سیوطی در المهذب به نقل از شیدله در البرهان و ابوالقاسم بن سلام در لغات القرآن، وراء را در زبان نبطی به معنای امام دانسته است (المهذب، ۱/۱۵۸). در المتوکلی نیز آن را در فهرست واژگان نبطی دسته‌بندی می‌کند و آن را به معنای امام می‌داند (المتوکلی، ۲۸). در الاتقان نیز وراء را واژه‌ای نبطی می‌داند نه قبطی (الاتقان، ۳/۹۷۰).

نکته دیگر اینکه سیوطی در المهذب «من تحتها» را در زبان نبطی به معنای «من بطنها» می‌داند؛ اما همو در المتوکلی «تحت» را از جمله واژگان قبطی می‌شمارد (المتوکلی، ۲۸). در این صورت می‌توان احتمال داد که در اینجا یا تصحیفی رخ داده است و یا اینکه فهرست‌بندی‌های سیوطی چندان دقیق نیست.

نگاه آرتور جفری به این موضوع جالب توجه است، او می‌گوید: با نگاهی به واژه‌هایی که سیوطی آنها را تحت عنوان نبطی فهرست کرده است، این فکر به ذهن متبادر می‌شود که لغویان از عبارت نبطی، به عنوان سرپوشی بر جهل خود استفاده می‌کرده‌اند و هرگاه منشأ لغتی را نمی‌دانسته‌اند آن را نبطی می‌خوانده‌اند. (Foreign Vocabulary Of The Qur'an, 28). دانسته است؛ نه آرتور جفری و نه جوالبیقی آن را از واژگان دخیل به شمار نیاورده‌اند.

ریپین نیز از این ماجرا چنین نتیجه می‌گیرد که: «مفسران پیوسته در جست‌وجوی پاسخی برای این پرسش بودند که چگونه ممکن است فلان کلمه معنایی بدهد که باید بدهد. در این اوضاع و احوال مفهوم «واژه دخیل» نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد. پذیرش وجود واژگان دخیل در متن قرآن، کلیدی برای این معما بود که چرا برخی واژه‌های قرآن معنایی می‌دهند که در غیر آن موضع قرآنی، میان عرب‌زبانان و یا ادیبان عرب شناخته

شده نیست.» (واژگان دخیل و تعیین زبان خارجی آنها در تفسیر قرآن)
بنابراین نمی‌توان قاطعانه بر اساس گفته‌های چند تن از لغویان، وراء را به سادگی واژه‌ای نبطی دانست که در این زبان به معنای «پیش‌رو» است و ساده‌اندیشانه پذیرفت که نه در تمام قرآن بلکه در موارد خاصی، معنای این واژه در زبان نبطی مورد نظر بوده است نه معنای رایج آن در زبان عربی.

یافتن معنای وراء با توجه به اسلوب قرآنی

با توجه به همه آنچه گفته شد، حال باید دید که آیا اسلوب قرآنی معنای پیش‌رو را برای واژه «وراء» تأیید می‌کند یا خیر؟

در این مقاله ترجیح می‌دهیم که رویکرد روشن و سراسری را دنبال کنیم و برای ترجمه و فهم قرآن، به جای استفاده از موارد نامربوط بسیار، معنای اصلی کلمات یا عبارات عربی را در خود قرآن به عنوان یک متن و یک کلیت منسجم جست‌وجو کنیم و با توجه به کاربردهای قرآنی و سیاق آیات، معنای آیات و عبارات را دریابیم، و می‌کوشیم واژگان قرآنی را همان‌گونه تفسیر و ترجمه کنیم که در زبان رایج و متداول عرب فهمیده می‌شود، نه معنای آن در زبانی دیگر و لهجه‌ای دیگر، و یا معنای دومی که ممکن است از آن واژه به دست آید.

برای یافتن اسلوب قرآنی، نخست به استقصای کامل کاربرد واژه وراء در قرآن می‌پردازیم:

استقصای کلمه وراء در قرآن نشان می‌دهد که در آیاتی چون: «نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» (بقره، ۱۰۱)؛ «فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» (آل‌عمران، ۱۸۷)؛ «تَرَكَتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ» (انعام، ۹۴)؛ «فَسْتَلَوْهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب، ۵۳)؛ «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات، ۴)؛ «قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» (حدید، ۱۳)؛ «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ» (انشقاق، ۱۰) و «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ» (حشر، ۱۴) که ناظر به جهت است، هرگز به معنای پیش‌رو نیست، بلکه دقیقاً با همان معنای متداول و رایج آن در زبان عربی؛ یعنی پشت‌سر هماهنگ است.

تنها در سه آیه از قرآن است که بیشتر مفسران برای وراء به جای معنای پشت سر، معنای پیش رو را ارائه کرده اند. حال به یک یک این آیات می پردازیم:

نخست آیه ۱۰۰ از سوره مؤمنون را مورد بررسی قرار می دهیم: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ». «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ». مشکل تفسیری آیه این بود که عالم برزخی که ما می شناسیم عالمی است پس از عالم مرگ تا روز قیامت؛ بنابراین نمی توان گفت که پشت سرشان عالم برزخی است تا روز قیامت. پس باید وراء به معنای پیش رو باشد، و در پی این تفسیر توجیهاات و تعلیلات بسیاری مطرح می شود. دقیقاً مشکل اینجاست که پیش فرض یک مفسر او را به تبیینی از آیه کشانده که منجر به ترجمه یک واژه عربی برخلاف فهم رایج و متداول اعراب از آن واژه شده است. اما اگر در این آیه بخصوص، باور نسبت به عالم برزخ میان مرگ تا قیامت را به کناری نهیم، و برزخ را همان حایل و حاجز میان دو شیء بدانیم، همان طور که دیگر کاربردهای قرآنی نیز این معنا را تأیید می کند، مانند: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (الرحمن، ۲۰) آنگاه می توانیم صحنه ای را که این آیه به تصویر می کشد، تصور کنیم: انسانی که به مجرد ورود از دنیا به عالم مرگ، می هراسد و تقاضای بازگشت می کند تا عمل صالح انجام دهد و با پاسخ منفی روبه رو می شود و پشت سر خود حایلی می یابد که وی را از بازگشت به دنیا بازمی دارد. تفسیر برزخ به حایلی که مانع از بازگشت به دنیا است در برخی تفاسیر دیده می شود. قرطبی، سیوطی، ابوالفتوح همین معنا را برای برزخ از قول ابن مجاهد نقل می کنند (الجامع لأحكام القرآن، ۱۳/۱۵۰؛ الدرالمثور فی تفسیر المأثور، ۱۵/۵؛ روض الجنان و روح الجنان، ۱۴/۵۲)؛ و دیگران نیز چنین معنایی را ذکر کرده اند (از آن جمله، نک: تفسیر نسفی، ۲/۶۵۶؛ آلوسی، روح المعانی، ۹/۲۶۳). زمخشری نیز تنها معنای برزخ را حایل و بازدارنده ای از رجعت به دنیا می داند (الکشاف، ۳/۲۰۳).

دیدیم که در این آیه نیازی نیست که وراء را به معنای پیش رو بدانیم، بلکه با در نظر گرفتن همان معنای متداول واژه عربی، مشکلی پیش نخواهد آمد.

و اما در آیه: «وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِيحَةٍ غَضِبًا» (کهف، ۷۹) پادشاهی که کشتی ها را به غصب می ستاند، امری بود که در آینده رخ می داد، ولی آنچه از سیاق آیه

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ ۹۵ □

برمی‌آید است که حتماً و لاجرم اتفاق خواهد افتاد. همچنین می‌توان از سیاق آیه این نکته را نیز به دست آورد که صاحبان کشتی از وقوع آن امر در آینده بی‌خبر بوده‌اند. بنابراین معنای پوشیده بودن نیز از آن برمی‌آید.

در اینجا نیز از تمام آنچه که مفسران و مترجمان قرآن در توضیح معنای این آیه گفته‌اند استفاده می‌کنیم و از گفته ابوالفتوح در این باره الهام می‌گیریم. ابوالفتوح به شکل مبسوطی تمام اقوال در خصوص وراء را مطرح می‌کند و یکی از ترجمه‌های درستی را که از وراء در این آیه به دست می‌دهد واژه «به دنبال» می‌داند. وی چنین می‌گوید: «و از جمله آنچه خلف لا یقترا است، قولهم: الموت وراک، و قول اللّٰه تعالیٰ: وکان وراءهم ملک، ای خلفهم، و قول الشّاعر:

عسی الهمّ الّذی امسیت فیه یکون وراءه فرج قریب

یعنی فرجی به دنبال آن غم باشد. و گویند مرگ به دنبال تو است (تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ۲۶۳/۱۱). می‌بینیم که ابوالفتوح هم وراء را دقیقاً به معنای خلف گرفته است و هم این‌که «به دنبال» را برابر نهاده آن در فارسی قرار داده است.

در تفسیر نمونه نیز از این عبارت در تفسیر و ترجمه آیات استفاده شده است: «به دنبال این نومیدی و خسران و یا به دنبال چنین کسی جهنم و آتش سوزان خواهد بود» (تفسیر نمونه، ۳۰۴/۱۰). هرچند در تفسیر نمونه عبارت «به دنبال» را از آن جهت انتخاب کرده است که معنای نتیجه و عاقبت کار را برساند، اما به نظر می‌رسد که معنای نتیجه و عاقبت کار را نمی‌توان با آیاتی همچون آیه کُف و مؤمنون و انسان، تطبیق داد. ولی به هر حال عبارت «به دنبال» عبارت درستی به نظر می‌آید، هم از آن رو که معنای «پشت‌سر» را در خود دارد و هم معنای «متواری» و پوشیده بودن و هم معنای «بعد» را که در تفسیر مقاتل به سلیمان پیشنهاد شده بود؛ و هم از آن رو که در اموری به کار می‌رود که لامحال به انسان می‌رسد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که معنای درست آیه این باشد که پادشاهی به دنبال و در پی آنان است که کشتی‌ها را به غصب می‌ستانند.

و اما در آیه «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» (انسان، ۲۷) وضع به گونه‌ای دیگر است. در خصوص این آیه می‌توان دو رویکرد مختلف را برگزید؛ از

سویی می‌توان از معنای اصلی و متداول وراء عدول نکرد و آن را به همان معنای متداول آن گرفت و برای رهایی از پیش آمدن مشکل تفسیری آن را متعلق به فعل «یذرون» دانست نه «یوماً» و آیه را این‌گونه معنا کرد: اینان روزی سخت سنگین را پشت‌سرشان رها می‌کنند. برخی از مفسران نیز این رویکرد را انتخاب کرده‌اند شیخ طوسی در آیه ۲۷ سوره انسان، تنها معنای وراء را خلف دانسته یعنی معنای آیه از نظر او پشت‌سر انداختن روز سنگین است. اما در آیه‌های دیگر مانند: «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ» (ابراهیم، ۱۶) و «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ» (مؤمنون، ۱۰۰)، معنای امام را پیشنهاد می‌دهد (نک: التبیان، ۲۲۰/۱۰؛ ۸۰/۷ و ۲۸۳/۶)

از سویی دیگر می‌توان وراء را آن‌گونه که درست‌تر می‌نماید، ظرف متعلق به یوماً دانست (اعراب القرآن و بیانه، ۳۲۸/۱۰)؛ چرا که یذرون خود به تنهایی معنای اعراض و ترک کردن و بی‌اعتنایی می‌دهد و نیازی به آوردن وراء همراه با آن نیست. هم‌چنان‌که مستنصر میر نیز به این نکته اشاره کرده است (verbal idioms of the Qur'an, 406). ولی در این صورت باید وراء را به معنای پیش‌رو گرفت، چرا که روز قیامت در آینده رخ خواهد داد؛ همان‌گونه که بیشتر مفسران، از جمله ابو عبیده (مجاز القرآن، ۲۸۰/۲)؛ میدی (کشف الاسرار، ۳۲۶/۱۰)؛ سوراآبادی (تفسیر سوراآبادی، ج ۴، ص: ۲۷۴)؛ سمرقندی (بحرالعلوم، ۵۲۹/۳)، نیز چنین کرده‌اند.

و برخی از مفسران همچون زمخشری هر دو قول را محتمل دانسته‌اند (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۶۷۵/۴؛ انوار التنزیل، ۲۷۳/۵).

اما به نظر می‌رسد، می‌توان بی‌آنکه ساختار نحوی جمله را به هم بزیم و یا این‌که مجبور به عدول از معنای اصلی واژه باشیم، این آیه را بدون برخورد با مشکلی معنا کرد؛ بدین ترتیب که در اینجا نیز وراء را به معنای «درپی» و «به دنبال» بدانیم؛ یعنی روزی سخت سنگین را که در پی ایشان است رها کرده‌اند.

آیه: «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ» (ابراهیم، ۱۶) را نیز با توجه به سیاق آیات و آیه قبل از آن که می‌فرماید: «وَاسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ». (ابراهیم، ۱۵)

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ □ ۹۷

می‌توان بدین سان معنا کرد: که به دنبال و یا در پی آن ناامیدی، جهنم خواهد بود، و در ادامه می‌فرماید: «...وَمِنْ وَّرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ» (ابراهیم، ۱۷) یعنی از پی آن عذاب‌ها، عذابی خشن خواهد آمد.

ترجمه‌های فارسی این آیات

حال باید دید که مترجمان فارسی‌زبان، این آیات را چگونه ترجمه کرده‌اند. بدین منظور به بررسی کار مترجمان در میان یک جامعه آماری با بیش از چهل ترجمه فارسی می‌پردازیم:



آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون: «... وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ».

نخستین ترجمه رسمی از قرآن به زبان فارسی در ترجمه این آیه چنین است: و از بر ایشان حجابی [است] تا آن روز که بر انگیزندشان. در ترجمه رسمی وراء را معادل «از بر ایشان» نهاده است. اما در نسخه بدل، ترجمه آیه بدین صورت است: و از پس ایشان مفاکی است یعنی گور تا آن روز که بر انگیزخته شوند (ترجمه تفسیر طبری، ۱۰۸۵/۵).

چنان که می‌بینید، دقیقاً مشخص نیست که در ترجمه رسمی، وراء را در این آیه به معنای پیش‌رو گرفته است یا از پس؟

پس از ترجمه رسمی، بیشتر مترجمان فارسی‌زبان، در ترجمه این آیه وراء را به معنای پیش‌رو دانسته‌اند و از عباراتی چون: «از پیش»؛ «در پیش»؛ «در مقابل»؛ «پیشاپیش»؛ «پیش‌روی»؛ «فراروی» و «دربرابر» استفاده کرده‌اند: از آن جمله: میبیدی؛ نسفی؛ صفی‌علیشاه؛ دهلوی؛ اشرفی؛ حلبی؛ رهنما؛ روان‌جاوید؛ سراج؛ شعرانی؛ مصباح‌زاده؛ الهی‌قمشه‌ای، انصاریان، پاینده، رضایی؛ طاهری؛ مجتبوی؛ مشکینی؛ انصاری؛ گرم‌رودی؛ کاویانپور؛ فولادوند؛ خرمشاهی.

اما گروه دوم که تعدادشان کمتر از گروه پیش است، وراء را به معنای پشت‌سر ترجمه

کرده‌اند؛ از جمله: آیتی؛ ارفع؛ پورجوادی؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ترجمه جوامع الجامع؛ مصطفوی؛ سید مهدی حجتی؛ مخزن العرفان. جلال‌الدین فارسی نیز از معادل «از پی» استفاده می‌کند. جمعی نیز «از پس» را برابر وراء نهاده‌اند.

عده معدودی همچون یاسری و صفارزاده نیز در این باب از تفسیر مقاتل بن سلیمان پیروی کرده و «من وراء» را به معنای «از پس مرگشان» و «بعد از این دنیا» دانسته‌اند. آیه ۱۶ سوره ابراهیم: «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ» پس از ترجمه رسمی که آیه را بدین سان ترجمه کرده که: «و از پس او دوزخ است» (ترجمه تفسیر طبری، ۸۲۰/۳)؛ بقیه مترجمان چند دسته شده‌اند:

کسانی چون: اسفراینی؛ نسفی؛ میبیدی؛ دهلوی؛ خرمشاهی؛ اشرفی؛ انصاریان؛ طاهری؛ شعرانی؛ فولادوند؛ گرمارودی؛ مجتبیوی؛ مصباح زاده و انصاری «از پیش‌رو» یا عباراتی مشابه، مانند: «پیشاپیش»، «فراپیش» و «از پیش» به عنوان برابر نهاده وراء استفاده کرده‌اند.

غیر از مترجمانی که وراء در این آیه را به معنای پیش‌رو دانسته‌اند، در دیگر ترجمه‌ها همچون: ترجمه رسمی؛ قرن دهم؛ صفی‌علیشاه؛ سراج، ابوالفتوح، روان جاوید؛ رهنما؛ خواجوی؛ حجتی، بلاغی؛ جوامع الجامع؛ مصطفوی؛ یاسری؛ الهی قمشه‌ای؛ قرشی؛ مکارم؛ مشکینی؛ حجتی؛ عاملی؛ رضایی؛ ارفع؛ بروجرودی؛ از طیفی از واژگان از قبیل: «از پس»، «از پشت»، «از پی»، «به دنبال» برای رساندن معنای وراء استفاده کرده‌اند. برخی نیز دقیقاً همان واژه «پشت‌سر» را به کار برده‌اند، کسانی چون: کاویانپور؛ برزی و آیتی.

در این میان دسته سومى مانند جلال‌الدین فارسی؛ پاینده و ترجمه تفسیر المیزان؛ «در انتظار» و «در کمین» را برابر وراء در این آیه نهاده‌اند.

همان‌گونه که مشاهده شد، در خصوص این آیه بیشتر مترجمان، ترجمه درستی از این آیه به دست داده‌اند. احتمالاً دلیل این امر این باشد که اولاً معنای آیه با توجه به سیاق نسبت به دو آیه دیگر تقریباً مشخص است و ثانیاً این که ترجمه رسمی (ترجمه تفسیر طبری) که نخستین ترجمه فارسی است، آیه را به روشنی ترجمه کرده و کار را برای مترجمان بعدی آسان‌تر کرده است.

«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ ۹۹ □

آیه ۲۷ سوره انسان: «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يُذَرُّونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا»
نخستین ترجمه فارسی از قرآن در ترجمه این آیه، واژگان را از عربی واژه به واژه و مطابق ترتیب عربی آن ترجمه کرده است، آن گونه که اگر به جای کلمات فارسی، عربی جایگزین شود همان جمله صحیح عربی به دست می‌آید: «و بگذارند (ویذرون) پس ایشان (ورائهم) روزی گران (یوماً ثقیلاً)» (ترجمه تفسیر طبری؛ ۱۹۷۶/۷). برخی از ترجمه‌های دیگر که پس از ترجمه رسمی شکل گرفته‌اند نیز عیناً از این الگو پیروی کرده‌اند:

ابوالفتوح رازی: رها کرده‌اند باز پس ایشان روزی گران

دهم هجری: همی‌گذارند پس خویش را روزی را گران

صفی علیشاه: و وامیگذارند از پشت سرشان روزی گران

شعرانی: و وامیگذارند از پس خود روزی گران را

نسفی نیز همین الگو را رعایت کرده، جز اینکه «پیش» را جایگزین «پس» کرده است: به جای می‌مانند در پیش خویش روز گران را.

می‌بینیم بعدها دیگرانی که سعی کرده‌اند ترجمه روشن‌تری از این آیه ارائه دهند، ترجمه‌های گوناگونی از این آیه به دست داده‌اند. با نگاهی به ترجمه‌ها و تفاسیر فارسی دو رویکرد غالب را می‌توان دید:

۱. غالب مترجمان، وراء را به همان معنای اصلی خود یعنی پشت‌سر گرفته‌اند و چون روز قیامت نمی‌تواند امری واقع شده در پشت‌سر باشد و امری پیش‌روست، آن را متعلق به یذرون دانسته و آیه را بدین مضمون معنا کرده‌اند که «روزی سنگین را پشت‌سر خود افکنده‌اند».

کسانی چون: آیتی؛ ارفع؛ بروجردی؛ بلاغی؛ حلبی؛ رضایی؛ روان جاوید؛ سراج؛ فارسی؛ فولادوند؛ فیض‌الاسلام؛ حجتی؛ مجتبی؛ مشکینی؛ مصباح زاده؛ معزی؛ مکارم؛ یاسری؛ انصاری و دهلوی چنین ترجمه‌ای را ارائه داده‌اند.

۲. برخی دیگر برای رهایی از مشکل پشت‌سر بودن قیامت، کلمه وراء را به معنای امام وقدام و متعلق به یوماً دانسته‌اند و آیه را این‌گونه معنا کرده‌اند: و روز سخت سنگینی را که در پیش‌روی دارند از یاد برده‌اند. البته این معنا، گرچه معنای درستی است اما

مشکل اینجاست که به سادگی نمی‌توان از معنای اصلی و ظاهری یک واژه عدول کرد و برای آن معنایی متضاد انگاشت. از جمله کسانی که چنین رویکردی را برگزیده‌اند می‌توان به میبیدی؛ نسفی؛ انصاریان؛ ترجمه بیان السعاده (خانی - ریاضی)؛ طاهری؛ کاویانپور؛ گرمارودی و خرمشاهی اشاره کرد.

عده‌ای نیز ترجمه دقیقی از معنای وراء و جایگاه آن در این آیه ارائه نکرده‌اند، بلکه آیه را به صورت کلی ترجمه کرده‌اند. مثلاً در ترجمه المیزان و ترجمه الهی‌قمشه‌ای گفته شده: آن روز سخت سنگین را به کلی از یاد می‌برند. خسروی نیز هر دو گونه ترجمه یاد شده را ذکر کرده و میان آنها داوری نکرده است.

و اما دسته دیگری از ترجمه‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان نظر مترجم را در این خصوص که کدام رویکرد را برگزیده به راحتی دانست:

رهنما: و روز سنگین را به دنبال می‌گذارند

قرشی: ترک می‌کنند در بعدشان

پاینده: روزی سخت را بفردایشان می‌گذارند

عاملی: و بدنبال خود سنگین روزی گذارند

جوامع الجامع: در حالی که پشت سر خود روز سخت و سنگینی را رها می‌کنند

در این میان، خانم صفارزاده برای وراء معنای «آنچه که در انتظار و کمین انسان است» را انتخاب کرده و آیه را این گونه معنا کرده است: از یاد روز دهشتناکی که منتظر آنهاست و فراخواهد رسید غافلند. اما جز اینان، عده‌ای راه دیگری را برگزیده‌اند که نه ساختار نحوی جمله را تغییر داده‌اند و نه وراء را به معنای پیش‌رو گرفته‌اند، اما در عین حال ترجمه صحیحی ارائه داده‌اند، برخی از این ترجمه‌ها عبارتند از:

بانو نصرت امین: از روز سنگین که پشت سر آنهاست غافل گردیده‌اند.

مصطفوی: و ترک می‌کنند آنرا که در پشت سر دارند و آن روز سنگینی است.

برزی: روزی گران بار را که پشت سر دارند رها می‌کنند.



«وراء» پشت‌سر یا پیش‌رو؟ ۱۰ □

اما شاید بهتر آن بود که مترجمان از عباراتی چون: «درپی ایشان است» یا «به دنبال ایشان است» استفاده می‌کردند.

نتیجه

بنابراین، دیدیم که برای ترجمه و تفسیر سه آیه‌ای که مفسران و مترجمان قرآن را به تعلیلات گوناگون برای توجیه وراء به معنای پیش رو کشانده بود؛ - همان‌گونه که برخی مفسران و مترجمان عمل کرده‌اند - با انتخاب واژه مناسب به عنوان برابر نهاده آن، نه مشکل تفسیری پیش خواهد آمد، نه ساختار نحوی جمله در هم می‌ریزد و نه نیازی به عدول از معنای رایج و متداول واژه عربی است.

□

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی جلال‌الدین؛ تحقیق مرکز الدراسات القرآنیة، المملكة العربیة السعودیة، بی‌تا.
۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۴. بحر العلوم؛ سمرقندی نصر بن محمد بن احمد؛ تحقیق عمروی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۵. التبیان فی تفسیر القرآن؛ طوسی محمد بن حسن؛ دار احیاء التراث العربی؛ بیروت.
۶. ترجمه تفسیر طبری؛ به تصحیح حبیب یغمایی؛ انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۶ش.
۷. تفسیر المراغی؛ مراغی، احمد بن مصطفی؛ دار احیاء التراث العربی؛ بیروت.
۸. تفسیر المظهری؛ مظهری، محمد ثناءالله؛ مکتبه رشدیة، پاکستان؛ ۱۴۱۲ق.
۹. تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ بلخی مقاتل بن سلیمان، دار احیاء التراث؛ بیروت، ۱۴۲۳ق.
۱۰. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ کاشانی ملافتح‌الله، کتاب‌فروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶.
۱۱. تفسیر نسفی؛ نسفی ابوحفص نجم‌الدین محمد، انتشارات سروش؛ تهران؛ ۱۳۶۷ش.
۱۲. تفسیر نمونه؛ مکارم شیرازی ناصر؛ دارالکتب الاسلامیة؛ تهران؛ ۱۳۷۴ش.
۱۳. ثلاثة كتب فی الاضداد، للاصمعی و للسجستانی و لابن السکیت، نشرها اوغست هفنز، المطبعة الكاثولیکية للآباء اليسوعیین، بیروت، ۱۹۱۲م.
۱۴. جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۵. الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، محمد بن احمد، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
۱۶. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، سیوطی جلال‌الدین، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی،

□ ١٠٢ ترجمان وحى

إسحاق إبراهيم بن السرى؛ شرح و تحقيق
عبدالجليل عبده شلبي؛ عالم الكتب، الطبعة
الاولى ١٩٨٨ م.

٢٩. المهذب فيما وقع فى القرآن من العرب؛
سيوطى جلال الدين؛ تحقيق الدكتور التهامى
الراجى الهاشمى؛ اللجنة المشتركة لنشر التراث
الاسلامى بين حكومة المملكة المغربية و دولة
الامارات العربية المتحدة.

٣٠. وارگان دخيل و تعيين زبان خارجى آنها در
تفسير قرآن، اندرو ريپين، ترجمه: مرتضى
كريمى نيا، ترجمان وحى، بهار و تابستان ١٣٨٢،
شماره ١٣.

1. *Foreign Vocabulary of The Qur'an*,
Arthur Jeffery, Oriental Institute,
Baroda, 1938.

2. *The Mutawakkili of as-suyuti*, with
introduction, notes and indices by
William Y. Bell. a Disserttation
presented to the faculty of the graduate
school of Yale University, in candidacy
for the digree of doctor of philosophy,
1924.

3. *The Qur'an in its Historical Context*,
ed. Gabriel Said Reynolds, Rutledge,
Newyork & London, 2008, "Syriac in
Quran, Classical Muslim Theories",
Andrew Rippin.

4. *Verbal Idioms of The Qur'an*,
Mustansir Mir, Michigan Series on the
Middle East Number 1, - Center for
Near Eastern and North African
Studies The University of Michigan-
1989.

قم، ١٤٠٤ق.

١٧. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم؛
ألوسى سيد محمد، دارالكتب العلمية؛
بيروت؛ ١٤١٥ق.

١٨. روض الجنان و روح الجنان فى تفسير
القرآن؛ ابوالفتوح رازى حسين بن على؛ بنياد
پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى،
مشهد، ١٤٠٨ق.

١٩. شرح ادب الكاتب، ابومنصور الجواليقى،
به كوشش سيد مصطفى صادق، قاهرة، مكتبة
القديس، ١٣٥٠ق.

٢٠. غرب القرآن؛ ابن قتيبه عبدالله بن
مسلم؛ تحقيق احمد صقر؛ دار الكتب العلمية،
بيروت، ١٩٧٨م.

٢١. فتح القدير، محمد بن على شوكانى؛ دار
ابن كثير، دمشق، ١٤١٤ق.

٢٢. كتاب العين؛ فراهيدى، خليل بن احمد؛
انتشارات هجرت، قم ١٤١٠ق.

٢٣. الكشف عن حقائق غوامض التنزيل؛
زمخشري محمود؛ دار الكتاب العربى،
بيروت؛ ١٤٠٧ق.

٢٤. كشف الاسرار و عدة الابرار؛ ميبدى،
رشيدالدين احمد بن ابى سعد، انتشارات
اميركبير، تهران، ١٣٧١.

٢٥. لسان العرب؛ ابن منظور، محمد بن
مكرم؛ دار صادر؛ بيروت، ١٤١٤ق.

٢٦. مجاز القرآن؛ ابو عبيده معمر بن مثنى،
مكتبة الخانجى، قاهره؛ ١٣٨١ق.

٢٧. معانى القرآن؛ فراء، ابوزكريا يحيى بن
زياد؛ دار المصرية للتأليف و الترجمة،
مصر، بى تا.

٢٨. معانى القرآن و اعرابه؛ زجاج، أبى